موضوع: علم حضوری و علم حصولی

دیدگاه فلاسفه جدید غربی درباره مفاهیم کلی

صحبت درباره مفاهیم کلی بود و این مباحث تا کنون مطرح شد:

1. دیدگاه های مختلف درباره چیستی مفاهیم کلی. این دیدگاه ها از این قرار بود: دیدگاه نامگرایان که منکر مفهوم کلی بودند و مفاهیم کلی را به الفاظ کلی تاویل کردند. دیدگاه کسانی که مفاهیم کلی را جزئی مبهم تفسیر کرده بودند. دیدگاه سوم، دیدگاه افلاطونی بود که به حقایق مجرد و غیر حسی قبل از به دنیا آمده انسان قائل بودند و گفتند کلیات در واقع ادراک همان موجودات مجرد است. صدرالمتالهین و علامه طباطبایی تقریر دیگری از این دیدگاه مطرح کردند و گفتند ادراکات کلی، مشاهد عقول اما از دور است. دیدگاه مشهور حکما نیز این بود که مفاهیم کلی از طریق تجرید و انتزاعی که بر روی مفاهیم جزئی صورت می گیرد، به دست می آید. دیدگاه صحیح در میان آراء نیز همان دیدگاه مشهور است.

2. اقسام مفاهیم کلی یا معقولات. گفته شد این مفاهیم به سه دسته تقسیم می شود: معقولات اولیه، معقولات ثانیه منطقی و معقولات ثانیه فلسفی. علامه طباطبایی گونه اول را به مفاهیم حقیقی و دو گونه آخر را مفاهیم اعتباری نامگذاری کرده است. در وجه این نامگذاری نیز گفته شد مراد از حقیقی در اینجا، ماهوی و مراد از اعتباری، غیر ماهوی است. ایشان مفاهیمی که از جنس ماهیت هستند و در مقولات عشر جای می گیرند را مفاهیم حقیقی و آنچه از این جنس نیستند، مفاهیم اعتباری نامگذاری کرده است.

3. بررسی پیشینه بحث درباره معقولات ثانیه.

اکنون به بررسی مفاهیم کلی از منظر فلاسفه جدید غربی می پردازیم. در دوران قبل از رنسانس، همان دو دیدگاه افلاطونی و ارسطویی مطرح بود. دیدگاه افلاطونی معتقد بود که ادراکات حسی اعتباری ندارند و ادراکات عقلی معتبر هستند. طبق این دیدگاه انسان قبل از اینکه به دنیا بیاید، حقایق عقلی را مشاهده کرده است اما وقتی به دنیا آمده آنها را فراموش کرده است. اکنون که با حواس با عالم خارج تماس برقرار می کند، این تماس ها زمینه را برای یادآوری همان حقایق عقلی قبلی فراهم می کند. دیدگاه دوم، دیدگاه ارسطویی است که معتقد بود انسان در آغاز، معلوماتی ندارد و ادراکات او از طریق حواس و یا درون برای او حاصل می شود. این ادراکات زمینه را برای ادراک مفاهیم کلی فراهم می آورد.

در میان فلاسفه جدید غربی، دو دیدگاه درباره مفاهیم کلی پدید آمده است: عقل گرایان، حس گرایان.

دیدگاه عقل گرایان

پیشتاز این دیدگاه، دکارت (م1650 م ) است. وی معتقد بود که ادراکات و مفاهیم ذهنی ما دو دسته اند: دسته ای که از طریق حواس حاصل می شود و دسته دیگر ادراکات پیشینی و فطری است که در آنها عقل انسان بدون نیاز به ادراکات حسی، آنها را درک می کند. از نظر وی مفاهیمی مثل: وجود، وحدت، حرکت، زمان و مکان مفاهیمی فطری برای عقل هستند. این گونه ادراکات بر ادراکات حسی برتری دارند زیرا ادراکات حسی مجمل و غیر یقینی هستند در حالی که این ادراکات روشن و یقینی هستند.[[1]](#footnote-1)

بعد از دکارت، عده ای دیگر از فلاسفه غربی نیز دیدگاه وی را با کمی تفاوت پذیرفتند که می توان از اسپینوزا (م 1677) و لایب نیتس (م 1716 م) و مالبرانش فرانسوی (م 1715 م) نام برد.[[2]](#footnote-2)

بر اساس دیدگاه عقل گرایان (طرفداران اصالت عقل)، مفاهیم کلی دو گونه اند: یک دسته مفاهیمی که از طریق حواس بیرونی یا احساس درونی حاصل شده اند و قوه عاقله از آنها مفاهیم کلی ساخته است (همان دیدگاه ارسطو و مشهور فلاسفه اسلامی) و دسته دوم مفاهیمی که فطری هستند و خاصیت ذاتی عقل انسان به شمار می روند و هیچ گونه استنادی به حس و احساس ندارند.

از چهره های شاخص طرفدار مفاهیم فطری عقلی، امانوئل کانت (م 1804) است. از نظر وی علم و معرفت انسان دو رکن و سرچشمه دارد: حس و فهم. به واسطه حس اشیاء محسوس را ادراک می کند و به واسطه فهم درباره آنها تفکر و اندیشه ورزی می کند. تفکر عبارت است از متحد ساختن ادراکات در وجدان که همان حکم کردن است. وی معتقد بود قوه فاهمه میان دو مفهوم روابط موضوع و محمول برقرار می کند. از نظر کانت آنچه در همه احکام ذهنی وجود دارد و ثابت است صورت آنها است، که ناشی از فاعل شناخت است نه ماده شناخت. و آنچه به اختلاف احکام مربوط می شود، مربوط به ماده احکام است. لذا حکم یک ماده دارد که از احساس سرچشمه می گیرد و یک صورت که مربوط به دستگاه ادراکی فاعل شناخت یعنی انسان است. ماده احکام ناشی از متعلق شناخت و مشاهده حسی است. در این ماده احکام تنوع بسیار است اما هر حکمی، چهار وجه دارد: کمیت، کیفیت، نسبت و جهت. اینها مربوط به عنصر فاهمه و پیشینی انسان است و هر کدام از اینها سه شکل مختلف دارند، لذا دوازده مقوله حاصل می شود و مربوط به صورت شناخت و ثابت هستند. (همه انسان هایی که دارای قوه فاهمه هستند این مقولات را دارند). بر حسب همین قالب های ذهنی است که محمولی بر موضوعی حمل می شود .

جدول مقولات کانت از این قرار است:

الف) مقولات کمیت: وحدت، کثرت و تمامیت.

ب) مقولات کیفیت: ثبوت و واقعیت (مانند هر گلی زیباست). مقوله سلب و نفی؛ حصر و تهدید (مانند حیات مادی ناپایدار است)

ج) مقولات نسبت: جوهر و عرض (مانند آتش سوزان است)؛ علیت و معلولیت (اگر خورشید طلوع کند روز خواهد بود)؛ مشارکت

د) مقولات جهت: امکان (در کره مریخ آب وجود دارد)؛ وجوب (حاصل جمع دو و دو چهار است)؛ وجود مانند زمین حرکت می کند. [[3]](#footnote-3)

کانت علاوه بر این مقولات، دو مفهوم زمان و مکان که مربوط به ادراکات حسی هستند را نیز پیشینی می داند.

فلاسفه اسلامی دیدگاه کانت را نپذیرفته و آن را دارای اشکال می دانند، زیرا معتقدند تصورات و مفاهیم پیشینی وجود ندارد. مفاهیم کلی از طریق ادراکات حسی به حواس بیرونی و یا ادراکات وجدانی به واسطه حواس درونی که جزئی هستند حاصل می شود. این ادراکات جزئی زمینه ساز می شوند تا قوه عاقله بتواند به مفاهیم کلی راه پیدا کرده و آنها را ابداع کند.[[4]](#footnote-4)

انشاءالله دیدگاه حس گرایان در جلسه آینده نقد و بررسی می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سیر حکمت در اروپا، ص 165 و 355 ؛ [↑](#footnote-ref-1)
2. ر.ک: اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج1، ص 119 [↑](#footnote-ref-2)
3. ر.ک: فلسفه عمومی، ترجمه پل فولکیه، ص 226- 228 ؛ سیر حکمت در اروپا، ص 472- 474 ؛ تاریخ فلسفه کاپلستون، ج6، ص 261 - 265 [↑](#footnote-ref-3)
4. ر.ک: شرح مبسوط منظومه، ج2، ص 72- 73 و ص 353 و ج3، ص 285 ؛ آموزش فلسفه، ج1، ص 226- 230 [↑](#footnote-ref-4)